

¹Therefore leaving the principles of the doctrine of Christ, let us go on unto perfection; not laying again the foundation of repentance from dead works, and of faith toward God,² Of the doctrine of baptisms, and of laying on of hands, and of resurrection of the dead, and of eternal judgment.³ And this will we do, if God permit.⁴ For it is impossible for those who were once enlightened, and have tasted of the heavenly gift, and were made partakers of the Holy Ghost,⁵ And have tasted the good word of God, and the powers of the world to come,⁶ If they shall fall away, to renew them again unto repentance; seeing they crucify to themselves the Son of God afresh, and put him to an open shame.⁷ For the earth which drinketh in the rain that cometh oft upon it, and bringeth forth herbs meet for them by whom it is dressed, receiveth blessing from God:⁸ But that which beareth thorns and briers is rejected, and is nigh unto cursing; whose end is to be burned.⁹ But, beloved, we are persuaded better things of you, and things that accompany salvation, though we thus speak.¹⁰ For God is not unrighteous to forget your work and labour of love, which ye have shewed toward his name, in that ye have ministered to the saints, and do minister.¹¹ And we desire that every one of you do shew the same diligence to the full assurance of hope unto the end:¹² That ye be not slothful, but followers of them who through faith and patience inherit the promises.¹³ For when God made promise to Abraham, because he could swear by no greater, he swore by himself,¹⁴ Saying,

¹بنابراین، از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجویم، و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم،² و تعلیم تعمیدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را.³ و این را بجا خواهیم آورد هر گاه خدا اجازت دهد.⁴ زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند،⁵ و لذت کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند،⁶ اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می کنند و او را بی حرمت می سازند.⁷ زیرا زمینی که بارانی را که بارها بر آن می افتد، می خورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود می رویند، از خدا برکت می یابد.⁸ لکن اگر خار و خشک می رویند، متروک و قرین به لعنت و در آخر، سوخته می شود.

وعدۀ الهی و وفاداری

⁹اما، ای عزیزان، در حق شما چیزهای بهتر و قرین نجات را یقین می داریم، هر چند بدینطور سخن می گویم.¹⁰ زیرا خدا بی انصاف نیست که عمل شما و آن محبت را که به اسم او از خدمت مقدّسین که در آن مشغول بوده و هستید ظاهر کرده اید، فراموش کند.¹¹ لکن آرزوی این داریم که هر یک از شما همین جدّ و جهد را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر نمایید،¹² و کاهل مشوید، بلکه افتدا کنید آنانی را که به ایمان و صبر وارث وعده ها می باشند.¹³ زیرا وقتی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون به بزرگتر از خود قسم نتوانست خورد، به خود قسم خورده، گفت:¹⁴ «هرآینه من تو را برکت عظیمی خواهی داد و تو را بی نهایت کثیر خواهم گردانید.»¹⁵ و همچنین چون صبر کرد، آن وعده را یافت.¹⁶ زیرا مردم به آنکه بزرگتر است، قسم می خورند و نهایت هر مخاصمه ایشان قسم است تا اثبات شود.¹⁷ از اینرو، چون خدا خواست که عدم تغییر اراده خود را به وارثان وعده به تأکید بی شمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد.¹⁸ تا به دو امر بی تغییر که ممکن نیست خدا در آنها دروغ گوید، تسلی قوی حاصل شود برای ما که پناه بردیم تا به آن امیدی که درپیش ما گذارده شده است تمسک

Surely blessing I will bless thee, and multiplying I will multiply thee.¹⁵ And so, after he had patiently endured, he obtained the promise.¹⁶ For men verily swear by the greater: and an oath for confirmation is to them an end of all strife.¹⁷ Wherein God, willing more abundantly to shew unto the heirs of promise the immutability of his counsel, confirmed it by an oath:¹⁸ That by two immutable things, in which it was impossible for God to lie, we might have a strong consolation, who have fled for refuge to lay hold upon the hope set before us:¹⁹ Which hope we have as an anchor of the soul, both sure and stedfast, and which entereth into that within the veil;²⁰ Whither the forerunner is for us entered, even Jesus, made an high priest for ever after the order of Melchisedec.

جویم،¹⁹ و آن را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در درون حجاب داخل شده است،²⁰ جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد، یعنی عیسی که بر رتبهٔ ملکِ صِدِّق، رئیس کهنه گردید، تا ابدالآباد.